



کوتاه‌تر از گزارش

شروط سفرهای نوروزی اعلام شد

برقراری سفرهای نوروزی به جادنشدن ویروس کرونا در کشور مشروط شده است. ضمن این‌که سفر به شهرهای قرمز و نارنجی در تعطیلات نوروز ممنوع خواهد بود و سفر به نقاط دیگر کشور به ارائه «رزرو اقامتگاه» منوط خواهد شد.

به گزارش ایسنا، ولی تیموری، معاون گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی گفت: بنابر مذاکرات و توافق‌هایی که تاکنون صورت گرفته، فعالیت‌ها و خدمات مرتبط با سفر و گردشگری در تعطیلات نوروز به‌صورت محدود و کنترل‌شده خواهد بود و برقراری سفرهای نوروزی نیز مشروط بر این است که در روزهای پیش‌رو وضعیت ویروس کرونا در کشور فوق‌العاده یا بحرانی نشود. تیموری افزود: قرار است سفرها طبقه‌بندی شوند که این فرآیند در اختیار و مدیریت وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی است. بخشی از این سفرها به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده و با تور خواهد بود که از طریق دفاتر خدمات مسافرتی دارای مجوز اجرا می‌شود؛ این بخش را از طریق سامانه ثبت تور می‌توان مدیریت و کنترل کرد. به گفته او این سامانه مدت‌هاست که راه‌اندازی شده و فقط نیروی انتظامی باید به آن اضافه شود تا از طریق کد رهگیری که برای هر تور صادر می‌شود، سفرهای گروهی رصد شود.

تیموری ادامه داد: در این کد که روی وسیله‌نقلیه نصب می‌شود، نام راهنما، آژانس و خودرو نیز مشخص است. اگر توری این کد را نداشته باشد، پلیس اجازه حرکت نمی‌دهد. این اقدام نه‌تنها از فعالیت توره‌ای بدون مجوز جلوگیری خواهد کرد که نظارت بر توره‌ای دارای مجوز را نیز آسان می‌کند.

به‌شطر زرو محل اقامت

او در ادامه بیان کرد: دغدغه بیشتر مربوط به سفرهایی است که مستقل و بدون برنامه‌ریزی انجام می‌شود که برقراری این نوع سفرها به ارائه زروو محل اقامت مشروط شده و در این صورت می‌توان این سفرها را مدیریت کرد. اطلاعات تمام مراکز اقامتی مجاز نیز در سامانه «جانا» موجود است و مردم می‌توانند از این طریق محل اقامت مناسب خود را پیش از سفر، انتخاب و سپس زروو کنند. در واقع ما از این طریق روی وضعیت ایمنی و بهداشت اقامتگاه‌ها نظارت می‌کنیم.

تیموری درباره چگونگی کنترل این دسته از مسافران که درصد بیشتری را حتماً به خود اختصاص خواهند داد، توضیح داد: طرح فرایمن از طریق ستاد خدمات سفر پیش خواهد رفت که در هماهنگی کامل با ستاد ملی مبارزه با کرونا برای شناسایی و معرفی مقاصد ایمن و کم‌خطر خواهد بود. از طریق همین ستاد با نیروی انتظامی هماهنگی می‌شود تا ضمن جلوگیری از سفر به مناطق پرخطر قرمز و نارنجی در مبادی ورودی مجوز اقامت مسافران کنترل شود که در صورت نداشتن تاییدی زروو، اجازه ورود به شهر یا استان داده نمی‌شود. معاون گردشگری گفت: در کنار این گروه‌ها، افرادی هم هستند که شخصی اما با وسایل نقلیه‌معمومی سفر می‌کنند که پیش شرط فروش بلیت به آنها مثل حلاله، استعلام از ابتلا به کرونا و داشتن زروو محل اقامت است. به همین منظور هم رایزنی‌هایی با وزارت راه‌وشهرسازی صورت گرفته است. تیموری بیان کرد: انگیزه ما از تاکید برای داشتن زروو محل اقامت این است که مردم از مکان‌های قابل نظارت و کنترل‌شده استفاده کنند و همه تاسیسات گردشگری ملزم هستند از طریق سامانه ماسک اطلاعات بیماران را رصد و از پذیرش مبتلایان که دوران نقاهت ۱۴ روزه آنها تمام نشده، خودداری کنند.

اسکان در مدارس و کمپ‌ها ممنوع

او همچنین گفت: براساس مصوبه ستاد ملی مبارزه با کرونا، فعالیت مدارس و کمپ‌های ورودی شهرها در تعطیلات نوروز ۱۴۰۰ ممنوع خواهد بود و امکان پذیرش مسافر در این مراکز وجود ندارد. قرار شده از هرگونه تجمع‌آفرینی و استقرار چادرهای مسافرتی در محل‌های عمومی نیز جلوگیری شود. معاون وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی درباره شیوه نظارت بر سفرهای نوروزی با توجه به محدودیت تعداد نظران در سال‌های گذشته، عنوان کرد: قرار است نظارت‌ها از طریق دستگاه‌های عضو ستاد هماهنگی خدمات سفر به صورت تلفیقی و ترکیبی صورت گیرد. در این فاصله همه پروتکل‌ها و راهنمایی‌های سفر در کرونا برای تاسیسات گردشگری، راهنماها، سایت‌های گردشگری و موزه‌ها یادآوری شده و همزمان کلاس‌های آموزشی برای شاغلان و فعالان گردشگری برگزار می‌شود. سرفصل‌های این آموزش آماده و اعتبارات آن گرفته شده که قرار بود بعد از تصویب طرح سفرایمن در ستاد کرونا اجرا شود. نظارت، آموزش و اطلاع‌رسانی ضمیمه این طرح شده‌است.



کودکان بی‌سرپرست بسیاری در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شوند که آرزوی حضور در جمع خانواده را دارند

عکس:

جام جم

حدود ۷ درصد دانش‌آموزان دچار لاغری شدید هستند

محمدحسین بیگی، مدیرکل دفتر سلامت و امور تندرستی وزارت آموزش و پرورش گفت: حدود ۶ تا ۷ درصد دانش‌آموزان دچار لاغری شدید هستند که میزان این لاغری در بین دانش‌آموزان دختر بیشتر از پسران است. وی افزود: تعداد دانش‌آموزانی که مبتلا به لاغری شدید هستند، قابل توجه است و اغلب آنها در مناطق محروم و استان‌هایی مثل سیستان و بلوچستان، جنوب کرمان، هرمزگان، خراسان جنوبی، آذربایجان غربی و تعداد کمی در خوزستان هستند. /اینا

گفت‌وگو با زهرا موحدین

یکی از خاص‌ترین مادران ایرانی به مناسبت روز مادر

فصله «عزیز»



مریم خباز

جامعه

شما زنی هستید که مهم‌ترین مردهای زندگی‌اش را خیلی زود و بی‌موقع از دست داده.

بله، شوهر مرا ۳۵ سال قبل، پدر مرا ۳۲ سال قبل، پسر مرا ۱۵ سال پیش و برادر مرا ۱۳ سال قبل.

هر کدام از این فراق‌ها به تنهایی می‌تواند آدم را بشکند. شما چطور همه را با هم تحمل کردید؟

تحملش خیلی سخت است مخصوصاً غم از دست دادن فرزند که به نظرم بزرگ‌ترین غم جهان است اما من یاد گرفته‌ام هیچ وقت از زندگی ناراضی نباشم و دستم را به زانو بزنم و بلند شوم. پدرم به من خوب یاد داد که از دل مشکلات قوی بیرون بیایم و حمایت کرد تا به خودم متکی باشم.

یک پدر قدیمی و این همه حمایت از دختر.

پدرم از تهرانی‌های اصیل بود و ذهن بازی داشت. او در زمانه‌ای که دخترها کمتر شانس درس خواندن پیدا می‌کردند به من اجازه تحصیل داد و فرصتی را ایجاد کرد تا روی پای خودم بایستم. کاری که پدرم کرد باعث شد تا پس از فوت شوهرم که زنی ۳۲ساله با یک دختر پنج‌ساله و یک پسر سه‌ساله بودم، مستقل باشم و فرزندانم را به خوبی بزرگ کنم. **گفتید از دست‌آوردن فرزند بزرگ‌ترین غم دنیا است. با فوت پسر ۲۳ساله‌تان چطور کنار آمدید؟**

من معنی تسلیم شدن را نمی‌فهمم. همسرم همیشه می‌گفت اگر خدا درى را به رویت ببندد حتما در دیگری را باز می‌کند. اگر آن را دیدی پس بدان هنوز زندگی در وجود جریان دارد و اگر ندیدی یعنی که در زندگی شکست خورده‌ای. **دری که شما دیدید و به کمک آن به زندگی ادامه دادید، انجام کارهای خیر بود، درست است؟**

من از سال ۵۳ یعنی از ۲۱سالگی کار کردم و شغلم حسابداری بود. همین شاغل بودن به ادامه زندگی کمک می‌کند. اما بعد از فوت پسرمر در سال ۸۴ برای این که خودم را از کابوس جای خالی فرزند رهاکنم علاوه بر حسابداری که حرفه‌ام بود به همکاری با موسسه محک و بچه‌های آسمان (کودکان دچار معلولیت) هم پرداختم. **رخ به رخ شدن با بچه‌های دچار معلولیت و بیمار حائاتن را بدتر نکرد؟**

تلفن «عزیز» آنتن نمی‌داد و نمی‌دانستیم او کجاست و در نتیجه حسرت یک مصاحبه داشت روی دلمان می‌ماند. ولی خدا به فناوری خیر دهد که جای خالی آنتن موبایل را برایمان پر کرد. چت ظهرگاهی ما با او مصادف بود با زمان خواب مردم کانادا و البته خواب او، ولی عزیز از خوابش زد و با ما چت کرد. زهرا موحدین که عزیز خیلی‌ها در تهران است یکی از خاص‌ترین مادرهای ایران و دنیا است. او از ۱۸ اسفند ۸۴، از ساعت ۱۱و ۳۷ دقیقه صبح که پسرش سوار بر موتور، شُسر خورد و سرش به تیرچراغ برق کوبیده شد و یک خط نازک خون که از بینی‌اش جاری شد، رشته پیوند او با دنیا را قطع کرد، زنی دیگر شد. مرگ پسر زهرا موحدین باعث تکثیر او به عنوان مادر برای پسرهای دیگر شد؛ او‌هی پسر خواست و‌هی مادر شد. او دیروز که از آن ور دنیا با ما چت می‌کرد عزیز ۱۷پسر و یک دختر بود که به عنوان فرزندخوانده برای زهرا بچگی می‌کنند و او برای آنها مادری، شاید برای روز مادر هیچ هدیه‌ای قشنگ‌تر از حرف‌های این مادرخوانده نباشد برای مادران این سرزمین که همگی قلبی آکنده از مهر در سینه دارند.

بود اما به عنوان زنی که ۱۸ساعت در روز کار می‌کند عادت داشت‌م از ثانیه‌های زندگی‌ام استفاده کنم. برای همین وقتی پسرمر را داماد کردم، به بهزیستی رفتم تا پسر دیگری را به فرزندى بگیرم.

پسر دوم که بود؟

او بچه‌ای بود که پس از تولد در بیمارستان رها شده بود و من چند سالی حامی‌اش بودم و چون با او ارتباط عاطفی داشتم‌م می‌خواستم فرزند خوانده‌ام باشم.

وقتی به خانه‌تان اوضاع رو به‌رود بود؟

نه واقعاً. پس‌دانش هنوز در بهزیستی بود و به داشتن خانواده عادت نداشت، من هم شاغل بودم و مشغله‌های خودم را داشتم. به خاطر دروغ‌های زیادی که او می‌گفت حسابی هم با یکدیگر درگیر بودیم.

هیچ وقت نخواستید خودتان را از این زحمت خلاص کنید؟

برای برگرداندنش به بهزیستی چندباری وسوسه شدم و خدا کمک کرد که در روزهای عصیانیت دست رویش بلند نکردم. اما یک روز به او گفتم اگر پسرخودم بودی حتما چند سیلی می‌خوردی.

این جمله او را جرئت نکرد؟

نه، برعکس باعث تغییر او شد. پسرمر به من قول داد دیگر دروغ نگوید و به قولش عمل کرد. **حالا رابطه‌تان با هم چطور است؟**

ما مثل مادر و پسر واقعی شده‌ایم. او به همه گفته که من مادرش هستم و به خودم هم گفته که حتی خودم باور نمی‌کنم که تو مادرم نیستی.

این جمله‌ای که برای پسرها اقتدر برایتان جالب است؟

دخترها بسیار شکننده هستند و نگهداری‌شان سخت‌تر است و در مقایسه با پسرها آینده میهن‌تری هم دارند. البته من از یک دختر هم حمایت می‌کنم و مادرخوانده‌اش هستم که

من عاشقم

حرف زدن با عاشق‌ها چه لذتی دارد، از آن عاشق‌های واقعی، کسانی شبیه «ز - ا» که عشقی که در سینه دارد، ناخودآگاه به دنیای اطرافش ترواش می‌کند و به همه جا رنگ و بوی زندگی می‌دهد. «ز - ا» نمی‌خواهد نامی از او برده شود، به دلایلی که خودش می‌داند، ولی از ناصر عزیزش که شوهر ۸۴ ساله و باوفای اوست، نام برد و می‌گوید اگر او مرد همراهی نبود، این کارهای خیر در حد آرزو می‌ماند.

خانم «الف» مادر یک پسر ۵۲ساله و یک دختر ۴۷ ساله است، ولی به‌غیر از این دو که فرزند خوبی‌اند حدود ۵۰۰ فرزند تحت حمایت دارد که همگی به او می‌گویند بانو. این بانوی مهربان برای حدود ۷۰۰ کودک یتیم مقرری ماهانه در نظر گرفته و برای ۳۰۰ کودک محروم

مرجان‌های خلیج چابهار خاطره شدند

داوود میرشکار، مدیرکل دفتر حفاظت از زیست‌بوم‌های دریایی محیط‌زیست گفت: ۹۰درصد آبسنگ‌های مرجانی خلیج چابهار دچار سفیدشدگی شده‌اند و از بین رفته‌اند. وی افزود، در جزایر خارك، خاركو و نایبند سفیدشدگی آبسنگ‌های مرجانی را داریم، وضعیت مرجان‌ها در جزیره کیش بهتر است، جزیره سیری کمترین تلفات را داشته و سایر جزایر که در دهانه خلیج فارس قرار دارند شرایط خوبی دارند. /ایرنا

يك مادر و ۲۶۰ فرزند

آدم‌های خوب چقدر تواضع دارند و چقدر دلشان می‌خواهد گمنام باشند. هرچقدر دل‌مان می‌خواست «ص - ج» را به طور کامل بنویسیم، او به همان اندازه اصرار داشت همین دو حرف هم نوشته نشود و نام و نشان او مخفی بماند. «ص - ج»، استاد دانشگاه و مدرک تحصیلی اش دکتری زیست‌شناسی و بیولوژی است، تا به حال هم ازدواج نکرده و می‌گوید لابد قسمتش نبوده است.

ولی خانم «ج» با این‌که مادر نشده، برای ۲۶۰ کودک در اقصی نقاط ایران مادری می‌کند و هر ماه با حمایت‌های مالی اش زندگی کردن را تا جایی که بتواند، برای آنها آسان‌تر می‌کند. او آدم پولداری نیست و به قول خودش از آدم‌های طبقه متوسط خوب است، ولی از آنجایی که با خدا معامله کرده، چیزی را که با یک دست به دست می‌آورد با دست دیگر می‌بخشد. آن هم فقط برای لبخندی که روی لب آدم‌های گرفتار می‌نشیند و مرمهی که بر قلب‌شان گذاشته می‌شود.

تنها آرزویم ساخت خانه‌ای برای آنهاست

اما وضعیت بد اقتصادی مخصوصاً بعد از ماجراهای کرونا باعث شده من و بقیه همیارانم نتوانیم زمینی را که برای اسکان بچه‌ها خریده‌ایم، بسازیم. حالا دست کمک به سوی همه دراز کرده‌ایم تا شاید فرجی بشود.

زمین کجاست و ساختنش چه قدر خرج دارد؟

زمینی ۸۲۵متری در پردیس است که مهندسان حدود چهارمیلیارد تومان برآورد ساخت برایش داده‌اند. ما باید فکر آینده این بچه‌ها هم باشیم و می‌خواهیم جواز ساخت و مغازه در این ساختمان را هم بگیریم تا پشتوانه شغلی آنها در آینده باشد. این بچه‌ها آرزوهای بزرگی دارند و همه‌شان کار، خودرو و خانواده‌ای مستقل می‌خواهند.

امروز روز مادر است و شما یکی از خاص‌ترین مادران این جهان هستید. بچه‌هایتان چه برنامه‌ای برایتان دارند؟

من مدتی است در کانادا و در منزل دخترم هستم که تازه اسباب‌کشی کرده و به خاطر جراحی کم‌رش نمی‌تواند کار سنگین انجام دهد.

پس امروز پیش بچه‌هایم نیستم ولی سال‌های قبل روز مادر را با بچه‌ها جشن می‌گرفتم و ۱۵پسر بچه در یک خانه تا چه حد سخت و طاقت فرساست.

پسرهایتان چندساله‌اند؟

اولین پسر خوانده ام ۲۴ ساله است و کوچکترین فرزند، کلاس چهارم است.

به عنوان یک مادر آرزویی برایشان دارید؟

دیگر در جای جای ایران، حداقل‌های زندگی را فراهم کرده است.

خانم «الف» همین چند روز قبل برای یکی از بچه‌هایی که زیر سایه حمایت‌های او قد کشیده و حالا دانشجوی رشته پزشکی است، ۱۱ میلیون تومان کتاب خریده تا زنجیره مهربانی اش، همچنان این کودک یتیم سابق را همراهی کند.

خانم «الف» می‌گوید او حدود ده سال است گرفتار عوارض افزایش سن و ناتوانی‌های جسم شده، ولی وقتی پای ارسال بسته‌های حمایتی برای این بچه‌ها وسط می‌آید، او بارهای سنگین را جابه‌جا می‌کند و شب‌های متمادی نمی‌خوابد. بدون این‌که احساس خستگی کند. او معتقد است این‌همه توان را خدا به او و شوهرش می‌دهد و این خستگی‌ناپذیری از هیچ آبخشوری به‌جز عشقی که آنها در سینه دارند، سیراب نمی‌شود.